

۵۴۴

جرعه‌ای از زلال وحی

پیام‌های آسمانی (۲)

میرصادق سیدنژاد

قبله؛ نماد وحدت و نشان عبودیت

خداوند جا و مکان ندارد، در همه جا حاضر است و انسان به هر سو رو کند رو به سوی خدا دارد. نقل شده است که وقتی آیه مربوط به تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه نازل شد، یهودیان در مقام انکار برآمدند و به مسلمانان خرده گرفتند که مگر می‌شود قبله را تغییر داد؟ آیه دیگری نازل شد و به آنها چنین پاسخ داد: «مشرق و مغرب از آن خداست و به هر سو رو کنید خدا آنجاست. خداوند بی‌نیاز و دانا است»^۱. بر این اساس، توجه به قبله هرگز به معنای محدود کردن ذات پاک خدا در سمت معینی نیست بلکه این کار از آن‌جا ناشی شده است که چون انسان یک وجود مادی است و باید به سوئی نماز بخواند، دستور داده شده که به سوی مقدس‌ترین نقطه زمین که از قدیمی‌ترین پایگاه‌های توحید است، نماز خوانده شود و از این رهگذر علاوه بر امتحان میزان تسلیم و اطاعت انسان‌ها، زمینه وحدت و هماهنگی آنها نیز فراهم شده است.

درخواست بی‌جا، نشانه نادانی

انتظارات افراد دانا بسیار سنجیده و حساب شده است، ولی توقع و درخواست‌های افراد ناآگاه خودخواهانه و غیرمنطقی است. در قرآن کریم بارها به این موضوع اشاره شده است. از جمله در مورد درک حقانیت پیامبران الهی، افراد دو دسته بوده‌اند: عده‌ای با به‌کارگیری نیروی تفکر و اندیشه در آیاتی که به پیامبر ﷺ نازل می‌شد تأمل می‌کردند و نشانه روشنی بر صدق گفتار او می‌یافتند و آنها را می‌پذیرفتند؛ اما گروهی هم به جای تفکر در آیات الهی، لجوجانه پافشاری می‌کردند که چرا خداوند آیه‌ای را بر خود ما نازل نمی‌کند و مستقیماً با خود ما سخن نمی‌گوید؟^۲

یادر مورد دیگر چنین تصریح می‌کند: «هر یک از آنها انتظار دارند اوراق متعددی از آیات الهی بر خود آنها نازل شود».^۱ قرآن کریم در پاسخ آنها می‌فرماید: «پیشینیان آنها نیز همین‌گونه سخنانی داشتند... ولی ما آیات و نشانه‌ها را به مقدار کافی برای پیامبران فرو فرستادیم. اگر این گروه هم واقعاً در صدد درک حقیقت‌اند، می‌توانند از راه مطالعه و دقت در آن آیات به حقیقت برسند».^۲

تشویق و تهدید

در آموزه‌های قرآنی بارها به اهمیت تشویق و تهدید تصریح و تاکید شده است، از ویژگی‌های پیامبران الهی هم بشیر و نذیر بودن است. در آیه‌ای از رسول اکرم ﷺ چنین یاد می‌شود: «حقیقت آن است که ما تو را به حق برای بشارت و بیم دادن (مردم) فرستادیم».^۳

هر چند در سایر نظام‌های تربیتی و تبلیغی نیز به موضوع تشویق و تهدید توجه می‌شود، ولی امتیاز قرآن در این موضوع در دو نقطه معلوم می‌گردد: نخست آنکه قرآن به همراهی تشویق با تهدید تاکید دارد و یکی را بدون دیگری تنها نتیجه‌بخش نمی‌داند بلکه زیان‌بار می‌شمارد. این موضوع هم ریشه در دو ویژگی مهم روحی انسان یعنی بیم و امید دارد.

دوم آنکه همواره تعادل میان بیم و امید و در نتیجه تشویق و تهدید باید رعایت شود؛ چون اگر تشویق و امید از حد بگذرد، نتیجه‌ای جز جرئت و غفلت در پی نخواهد داشت و اگر بیم و انذار بیش از اندازه باشد، ثمری غیر از یأس و ناامیدی و ایستایی نخواهد داد. رسول اکرم ﷺ وقتی خود را معرفی می‌کند، چنین می‌فرماید: «من برای مؤمنان بیم دهنده و بشارت دهنده‌ام».^۴

نتیجه پیروی از خواسته دشمن

در فرهنگ قرآنی، تلاش بر آن است که از بروز زمینه‌های دشمنی به شیوه‌های مختلف جلوگیری به عمل آید؛ ولی از آنجا که حق و عدالت، میزان و محور اصلی‌اند، اغلب گروه‌های حق‌ستیز و زورگو به جهت خوی تجاوزکارانه و زیادی خواهانه خود با آموزه‌ها و اهداف دین به مخالفت می‌پردازند. روش برخورد اسلام با این‌گونه افراد در مرحله اول مدارا، روشنگری و دعوت به پذیرش حق است.

۲. بقره: ۱۱۹.

۴. اعراف: ۱۸۸.

۱. مدثر: ۵۲.

۳. بقره: ۱۱۹.

در مرحله بعد، وظیفه ایستادگی در برابر آنها و وادار ساختن شان به دست کشیدن از کارهای تجاوزکارانه و زیاده‌خواهانه است. در چنین شرایطی تسلیم شدن در مقابل خواست‌های نامشروع و باطل آنان به هیچ وجه جایز نیست؛ چراکه آنها نه تنها با این روش راضی نخواهند شد و بعدها خواسته‌های بالاتری هم مطرح خواهند کرد، بلکه با این کار مؤمنان هم از عنایات و الطاف خدا محروم خواهند شد. خداوند حکیم، در آیه‌ای خطاب به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «... اگر از خواست‌های آنان (یهود) پیروی کنی در حالی که می‌دانی هدف باطلی دارند، هیچ‌گونه یآوری از ناحیه خدا برای تو نخواهد بود»^۱.

اندیشه در آیات

افراد در برابر آیات الهی چند گروهند: عده‌ای تمام تلاششان بر این است که الفاظ و حروف آن را صحیح ادا کنند؛ گروهی هم تنها به معانی آن توجه دارند که عبارت‌های آیات را خوب بفهمند و از ریزه‌کاری‌های آن مطلع شوند؛ گروهی دیگر، که همان مؤمنان حقیقی‌اند، قرآن را به عنوان یک برنامه عمل و نسخه جامع هدایت در زندگی پذیرفته‌اند و خواندن الفاظ و اندیشه در معانی و مفاهیم آن را مقدمه‌ای برای عمل به محتوای آن می‌دانند. قرآن در اغلب رهنمودهای خود این گروه را مخاطب قرار داده و به آنها شیوه‌های درست استفاده از قرآن را متذکر می‌شود. در آیه‌ای درباره مؤمنان حقیقی می‌خوانیم: «مؤمنان به کتاب خدا، آنانند که قرآن را به گونه‌ای شایسته تلاوت می‌کنند»^۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «یعنی آیات آن را با دقت بخوانند، حقایق آن را خوب درک کنند و به احکام آن عمل نمایند»^۳.

کامل‌ترین برنامه هدایت

قرآن کریم با توجه به نارسایی‌های مکاتب بشری و محدودیت‌های فکری انسان‌ها، معتقد است که هیچ انسانی بدون ارتباط با منبع وحی الهی نه توانایی تشخیص مصالح بشریت را می‌تواند داشته باشد و نه قادر است که تمام عوامل تهدیدکننده حیات، اندیشه و باورهای او را بشناسد. بنابراین کامل‌ترین برنامه هدایت را برنامه‌ای می‌داند که از ناحیه پروردگار ارائه شده باشد؛ چراکه خداوند خالق انسان و همه پدیده‌های نظام هستی است و از تمام نیازها و زمینه

۲. بقره: ۱۲۱.

۱. بقره: ۱۲۰.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۳۲.

کمال و تعالی انسان‌ها آگاه است. در اشاره به این حقیقت است که در آیات بسیاری تأکید شده که هدایت واقعی تنها هدایتی است که از ناحیه خداوند باشد.^۱ در آیه‌ای می‌فرماید: «هر کس به خداوند تمسک جوید و از او یاری خواهد، به صراط مستقیم هدایت شده است.»^۲ در حدیثی قدسی آمده است: «ای بندگان من، همه شما در گمراهی هستید مگر کسی که من هدایتش کرده باشم.»^۳

یادآوری نعمت‌ها

در قرآن کریم بارها به یادآوری نعمت‌های خداوند، سفارش شده است. به عنوان نمونه به بنی اسرائیل می‌فرماید: «ای بنی اسرائیل، نعمتی را که به شما ارزانی داشتم به یاد بیاورید.»^۴ یادآوری نعمت‌ها آثاری دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: نخست آنکه انسان از گرفتار شدن به تکبر و طغیان در امان می‌ماند، زیرا به فرموده قرآن انسان تا خود را غنی و بی‌نیاز احساس کند، دچار طغیان و سرکشی می‌شود.^۵ گذشته از آن ذکر نعمت، انسان را به یاد نعمت دهنده می‌اندازد و از آنجا که انسان‌ها به صورت فطری در برابر نیکی به قدردانی و سپاسگزاری روی می‌آورند، با یادآوری نعمت‌هایی که خداوند بر او عنایت کرده است، به سپاسگزاری از پروردگار رغبت بیشتری نشان می‌دهد.

گزینش بر اساس شایستگی

یکی از ویژگی‌های نظام گزینشی اسلام، آزمودن افراد است. در قرآن حدود بیست مرتبه مسئله آزمایش مطرح شده است. البته این آزمایش برای آگاه شدن خداوند نیست؛ زیرا او از پیش همه چیز را می‌داند، بلکه این آزمایش برای آشکار شدن توانمندی‌های افراد به خودشان و دیگران است. آزمون‌های الهی، ضمن روشن‌سازی استعدادهای افراد، به رشد و پرورش آنها نیز کمک می‌کند؛ چون هر کس با ناملازمات بیشتری روبه‌رو شود، بیشتر تجربه به دست می‌آورد و پاداش دریافت می‌کند. پیامبران الهی هم به شهادت قرآن پس از پشت سر نهادن آزمایش‌های گوناگون، وقتی توانمندی‌هایشان کاملاً معلوم شد، به مقام رسالت و امامت برگزیده می‌شدند. در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم می‌خوانیم: «هنگامی که پروردگار ابراهیم را با حوادث

۱. بقره: ۱۲۰.

۲. آل عمران: ۱۰۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۹۸.

۵. علق: ۶ و ۷.

گوناگون آزمود، چون او به خوبی از عهده آزمایش‌ها برآمد و شایستگی خود را نشان داد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم.^۱

فلسفه بعثت پیامبران

در آیات بسیاری به هدف از ارسال پیامبران الهی اشاره شده است. از جمله در آیه‌ای آمده است که وقتی به دستور پروردگار، حضرت ابراهیم علیه السلام و فرزندش اسماعیل علیه السلام، خانه کعبه را بنا کردند، چندین خواسته را مطرح کردند که یکی از آنها چنین بود: «پروردگارا، در میان آنها پیامبری از خودشان مبعوث کن تا آیات تو را بر آنها بخواند و آنها را کتاب و حکمت آموخته، پاکیزه ساخته و به رشد و کمال برساند. به راستی که تو توانا و حکیمی.»^۲

در خواسته آسمانی حضرت ابراهیم علیه السلام سه هدف وجود داشت: نخست آنکه از طریق تلاوت آیات خدا بر مردم، اندیشه‌ها و قلب خفته آنان بیدار شده و برای تعلیم و تربیت آمادگی بیشتر پیدا می‌کنند. سپس از راه آموختن معارف و احکام الهی و اسرار و قوانین حاکم بر انسان و پدیده‌های عالم، پرده‌های جهل و نادانی یکی پس از دیگری کنار می‌رود و امکان رشد خرد و اندیشه فراهم می‌شود و از این رهگذر تزکیه و تعالی وجود آدمی، که هدف خلقت اوست، محقق می‌گردد.

روزی

یکی از نام‌های مبارک خداوند، رزاق است.^۳ هیچ جنبنده‌ای در روی زمین نیست جز آن که روزی‌اش بر عهده خداست.^۴ امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «مردم نان خورهای خدایند. خداوند روزی آنها را ضمانت و خوراکشان را مقدر کرده است.»^۵ در این میان، اموری هم در کم و زیاد شدن روزی مؤثرند. به عنوان مثال، نیکوکاری، خوش اخلاقی، دعا برای دیگران، صدقه دادن و نیت پاکیزه سبب زیادی روزی می‌شوند. در مقابل، گناه، پایمال کردن حق مردم و حرام‌خواری از عوامل کاهش روزی‌اند. در آیه‌ای آمده است: «آن را که کفر ورزید، روزی کمی به او می‌دهیم.»^۶ بر این اساس، اگر عده‌ای از کافران را به ظاهر برخوردار از نعمت‌های فراوان می‌بینیم، این آسایش ظاهری در واقع بستری است برای گرفتاری بیشتر آنها، چون از آن در مسیر بدبخت کردن خودشان استفاده می‌کنند، ولی امکانات مؤمنان هر چند کم باشد، وسیله رسیدن آنها به نعمت جاودانند.

۱. بقره: ۱۲۴.

۲. بقره: ۱۲۹.

۳. هود: ۶۰.

۴. «ان الله هو الرزاق». ذاریات: ۵۸.

۵. بقره: ۲۰۱.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۹۱.

جهنمی به نام ستم

در آموزه‌های دینی، از ستم به عنوان بزرگترین گناه یاد شده و در قرآن کریم بارها به پی آمدهای بد آن اشاره شده است. خداوند در آیه‌ای می‌فرماید: «خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند».^۱ در جای دیگر علت نابودی بسیاری از امت‌ها را ستم پیشگی آنها ذکر می‌کند و می‌فرماید: «پیش از شما بسیار نسل‌ها را که ستم کردند و به پیامبران‌شان که با حجت‌ها به سوی‌شان آمده بودند ایمان نیاوردند؛ هلاک کردیم».^۲ امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره فرموده است: «برای زوال نعمت‌های خدا و شتاب بخشیدن به خشم و انتقام او، هیچ چیزی کارگرتر از ستمگری نیست، زیرا خداوند دعای ستمدیدگان را می‌شنود و همواره در کمین ستمگران است».^۳ یکی از بدترین آثار ستم، محروم شدن از مقام‌های کمال، تعالی و شایستگی‌ها است. قرآن کریم در جواب خواسته یکی از پیامبران برای جانشینی فرزندش فرمود: «پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد».^۴

امنیت، بستر شکوفایی

نخستین شرط زندگی سالم وجود امنیت است. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «آسایش زندگی در امنیت است»^۵ و «هیچ نعمتی در زندگی همانند امنیت نیست».^۶ بر این اساس مهم‌ترین دغدغه همه رهبران الهی قبل از هر کاری ایجاد امنیت بوده است و بسیاری از آموزه‌های الهی به برچیدن عوامل ناامنی از جامعه مربوط می‌شود. در فقه اسلامی نیز، سخت‌ترین مجازات‌ها برای کسانی در نظر گرفته شده است که امنیت جامعه را به خطر می‌اندازند. در آیه‌ای از قرآن آمده که عده‌ای از مردم جهت شکایت از دشمنان خود، به نزد ذوالقرنین آمدند و او برای فراهم کردن امنیت‌شان، بین آنها و دشمنانشان سدّی را بنا کرد که در تاریخ ضرب‌المثل شده است.^۷ باز با توجه به اهمیت امنیت بود که هنگام بنای کعبه، حضرت ابراهیم علیه السلام نخستین چیزی را که از خداوند برای آن سرزمین تقاضا کرد، نعمت امنیت بود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «به یاد آور آن هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا، این سرزمین را شهری امن قرار ده و اهل آن را، آنهایی که مؤمن‌اند، از ثمرات گوناگون روزی ده...».^۸

۱. بقره: ۲۵۸.
۲. یونس: ۱۳.
۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۴. بقره: ۱۲۴.
۵. شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۱۰۰.
۶. همان، ج ۶، ص ۴۳۵.
۷. کهف: آیات ۹۴ تا ۹۸.
۸. بقره: ۱۲۶.

معاد اندیشی

یکی از اموری که در آیات قرآن بسیار به آن تأکید شده است، معاد اندیشی است. یکی از هشدارهای خداوند به بنی اسرائیل چنین است: «ای بنی اسرائیل، از روزی بترسید که هیچ کس به جای دیگری جزا نمی بیند و هیچ گونه عوضی از کسی قبول نمی گردد و شفاعت کسی در حق انسان کارساز واقع نمی گردد مگر اینکه خداوند اجازه دهد و انسان از جانب کسی یاری نمی گردد».^۱

بر این اساس کسانی چون یهود که گمان می کردند در آخرت هم به مانند دنیا می توان از مجازات با شیوه هایی چون پرداخت جریمه و متوسل شدن به شفاعت کسی یا پرداخت غرامت و غیره در امان ماند، اشتباه می کنند. از نگاه قرآن، یگانه راه نجات آدمی از مجازات، توبه، انجام وظایف، از دست ندادن شرایط بخشودگی و در یک کلام ایمان و عمل صالح است.^۲

اعتماد به عملکرد نیاکان

گرچه داشتن نیاکان شایسته و مؤمن، از جمله اموری است که می تواند در فراهم کردن بستر هدایت افراد مؤثر واقع گردد، با این همه تکیه بر نیاکان و مباحثات بر آنان مخصوصاً وقتی سبب توقف و ایستایی انسان شود، از نگاه قرآن بسیار مذموم است. یکی از اشتباهات یهودیان این بود که روی نیاکان و افتخارات آنها بسیار حساب باز کرده بودند. آنها معتقد بودند که اگر خودشان هم آلوده باشند، در پرتو نیاکان پاکی که داشته اند، نجات خواهند یافت. قرآن کریم در رد این توهم آنها می فرماید: «آنها امتی بودند که در گذشتند، اعمال آنها مربوط به خودشان بود و اعمال شما نیز مربوط به خود شماست و هیچ گاه مسئول اعمال آنها نخواهید بود».^۳ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم به بنی هاشم هشدار می دادند که مبادا سایر مردم برای آخرت خود کار کنند ولی شما به گذشتگانان دل خوش کنید.^۴ امیر مؤمنان علی رضی الله عنه نیز فرمودند: «شرافت و بزرگواری در گرو همت های عالی و تلاش افراد است، نه در استخوان های پوسیده نیاکان».^۵

۲. ک: شعرا: ۹۸ و ۹۹.

۴. تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۷۰.

۱. بقره: ۱۲۳.

۳. بقره: ۱۳۴.

۵. همان.